

اشاره:

هم قدرت تصویرگری یک هنرمند را دارد و هم دیدگاه مدرن و نوآورانه یک صنعتگر به روز را در خود پرورش داده است. نسل سوم از خانواده‌ای که با طرح، رنگ و نقش فرش دستباف زیسته و استشمام عطر رنگزاهای طبیعی در کارگاه‌های سنتی قدیمی، خاطرات دوران خوش کودکی‌اش را زنده می‌کند؛ زمانی که نخ‌های رنگ شده برای تثبیت بیشتر، داخل نهر یا جوی آب روان قرار می‌گرفتند و صدای شانه‌زنی، زیباترین آهنگ به نظر می‌رسید.

ماهان معروفی، طراحی را با فرش دستباف آغاز کرد و سپس جهت فعالیت خود را به سوی فرش ماشینی تغییر داد. وی معتقد است: «متأسفانه برخی تولیدکنندگان فرش دستباف نمی‌دانند بازارهای اروپا، آمریکا، و کشورهای حاشیه خلیج فارس چه طرح و رنگی را می‌پسندند؛ گویی طرح افشان زمینه لاک‌ی به دست گرفته‌ایم و می‌خواهیم آن را هم به آمریکا صادر کنیم هم آفریقا! در حالی که سلیقه مناطق مختلف اروپا با هم فرق دارد چه برسد سلیقه مردم به یک قاره دیگر!»

به اعتقاد معروفی، «متأسفانه عده‌ای تصور می‌کنند ضعف فرش دستباف ایران به دلیل وجود فرش ماشینی است در حالی که عملکرد فعالان فرش دستباف این هنر-صنعت را تضعیف می‌کند. تولیدکننده فرش دستباف، سلیقه مصرف‌کنندگان را در بافت فرش مدنظر قرار نمی‌دهد، متوجه نیازهای آنان نیست ولی فرش ماشینی به تدریج «طرح محور» می‌شود و خود را با نیازها و سلیقه مردم هماهنگ و همگام می‌کند. ولی تولیدکننده فرش دستباف هنوز در دهه ۵۰ و ۶۰ به سر می‌برد یعنی «هر چه می‌بافم؛ باید مشتری بدون چون و چرا بخرد!» مشروح گفت‌وگو با ماهان معروفی (که از قضا نسبتی با استاد جواد معروفی - آهنگساز و نوازنده چیره‌دست معاصر - ندارد و تنها نقطه شباهت، هنرمندی هر دو نفر است!) از نظر تان می‌گذرد:

رشته به رشته، نخ به نخ

گزارش



تهیه و تنظیم: مهدیه درویش کوشالی

«بیوگرافی و شروع فعالیت حرفه‌ای در صنایع نساجی

متولد آذر سال ۱۳۵۹ در شهرستان کاشمر (از توابع استان خراسان رضوی) هستم. شغل خانوادگی ما طراحی فرش دستباف است به طوری که پدر بزرگ پدری‌ام طراح فرش دستباف در کاشمر بودند و پدر در کنار طراحی به بافت اختصاصی فرش دستباف می‌پرداختند. از دوران کودکی به واسطه شغل ایشان به مشهد رفته بودیم و دوران نوجوانی‌ام در این شهر سپری شد و در نهایت با توجه به سفرهای مستمر وی سرانجام در قم مستقر شدیم.

پدرم در سال ۱۳۷۶ اولین آموزشگاه فنی و حرفه‌ای طراحی و بافت فرش دستباف را در مشهد (و همچنین کشور) راه‌اندازی کردند که مورد استقبال چشمگیر مردم به خصوص جوانان قرار گرفت. من

در کنار ایشان با طراحی فرش آشنا شدم.

«به طراحی فرش علاقه‌مند بودید یا به دلیل شغل پدر به آن گرایش پیدا کردید؟
اوایل حس می‌کردم قادر به یادگیری حرفه دیگری نیستم و تا حدودی به اجبار وارد کار فرش شدم اما پس از مدتی، اجبار جای خود را به علاقه داد به طوری که ذوق و شوق بسیاری در طراحی فرش دستباف پیدا کردم و چون نمی‌خواستم طرح‌هایم محدود به نقوش اصیل کاشمر شود، طراحی به سبک قم را نیز فرا گرفتیم؛ در واقع این شهر مانند دانشگاهی بود که مرا با تمام سبک‌های طراحی فرش دستباف ایران آشنا کرد.

تا سال ۱۳۸۹ در کنار پدر به طراحی و تولید فرش دستباف ادامه دادم. با مراحل بافت فرش از رنگرزی

طی یک سال همکاری با فرش فرهی، ۵ کلکسیون متفاوت با رنگ‌بندی مناطق مختلف فرش‌های کشور طراحی کردم و از رنگ‌های مشکی، دودی، نقره‌ای و طلایی که استفاده از آن توسط طراحان فرش ماشینی متداول نبود؛ بهره بردم. پس از اتمام قرارداد یک‌ساله با فرش فرهی از سال ۱۳۹۱ به صورت آزاد و مستقل در زمینه طراحی فرش ماشینی به فعالیت ادامه دادم.



طراحی همزمان برای این شرکت‌ها از نظر نوآوری، عدم تکرار و ... سخت نبود؟

اگرچه تسلط کافی نسبت به طرح و نقوش فرش‌های مناطق مختلف کشور داشتم اما طراحی برای تک‌تک شرکت‌ها، محدود به تفکر من می‌شد لذا برای تأمین طرح اولیه (طبق استانداردهای اصولی و دقیق) از توان سایر طراحان استفاده می‌کردم تا افکار، سلايق، ایده‌ها و سبک‌ها متنوع باشد اما شخصاً بر طرح نهایی از نظر سبک رنگ آمیزی و ری‌سازي نظارت کامل داشتم.

نکته‌ای که در رنگ‌بندی منحصر به فرد طراحی‌ها و موفقیت در طراحی همزمان برای چندین شرکت معتبر برایم بسیار موثر می‌باشد؛ همسر (خانم تارا) (مطلبی) به عنوان همکار و همراه زندگی حرفه‌ای‌ام است. ایشان دوره کاردانی خود را در اصفهان و کارشناسی را در کاشان رشته فرش گذرانده‌اند. رنگ را بسیار خوب می‌شناسند و ذوق هنری و رنگ‌شناسی وی به مراتب قوی‌تر از من است و شناخت ما از صنعت فرش ماشینی در کنار همدیگر شکل گرفت. در حیطه مسائل شغلی نگاه زوج و همسر نسبت به هم نداریم؛ بیشتر در قالب زوج هنری هستیم و به زبان مشترک در طراحی فرش رسیده‌ایم.

از سال ۱۳۹۵ به همراه «شرکت دیبا» پا به عرصه تکنولوژی فرش‌های پرینت گذاشتیم و کلیه امور طراحی این مجموعه به عهده من و همسر بود. سبک طراحی برای دستگاه‌های پرینت کاملاً متفاوت با طراحی فرش دستباف و ماشینی می‌باشد لذا با توجه به تجربه و همگام‌سازی با این

جرقه ورود به صنعت فرش ماشینی

سال ۱۳۸۹، آقای مهندس علی فرهی، جرقه فعالیت در عرصه فرش ماشینی را در وجود من زنده کردند! پیش از آن شناختی نسبت به دستگاه‌های بافندگی یا طراحی فرش ماشینی نداشتیم. همکاری‌ام در این مجموعه با طراحی یک فرش انجام شد و با تنظیم پالت ادامه پیدا نکرد بعدها ایشان مدیریت واحد طراحی فرش فرهی را به من پیشنهاد کردند. سال ۱۳۹۰ به تهران آمدم و یک‌سال به همکاری با ایشان پرداختم. در این مدت با صنعت فرش ماشینی بیشتر و بهتر آشنا شدم. برای آقای فرهی بسیار مهم بود که با دیدگاه و نگرش نوین به تولید و برندسازی محصولات خود بپردازد و خوشبختانه تا امروز بسیار موفق بوده‌اند.

روحیات فردی من به گونه‌ای است که وقتی ایده، محصول یا تکنولوژی جدیدی وارد صنعت می‌شود، کنجکاوی خاصی نسبت به یادگیری و پیاده‌سازی آن در فعالیت‌های حرفه‌ای‌ام دارم تا همواره پیش‌تاز و تکرار عرصه باقی بمانم.

آن سال‌ها تولید فرش پلی‌استر چندان متداول نبود و واحد تحقیق و توسعه فرش فرهی اختصاصاً به روی نخ پلی‌استر به تحقیق می‌پرداخت. به طور کلی این مجموعه از نظر فنی و تخصصی در جایگاه مناسبی قرار داشت و حضور در این گروه مانند دانشگاهی بود که مرا با صنعت نساجی، کفپوش، انواع نخ، شیوه تولید، عملکرد ماشین‌آلات بافندگی، نحوه رنگ‌رزی نخ و ... آشنا کرد.

توسط رنگ‌های طبیعی (با رنگ‌زاهای گیاهی مانند روناس، پوست گردو، نیل و... در پاتیل‌های قدیمی) تا نحوه گره‌زنی و بافت فرش آشنا شدم. در حال حاضر رنگ‌رزی فرش دستباف با رنگ‌زاهای شیمیایی انجام می‌گیرد و شاید برندهای بسیار معتبر همچنان به رنگ‌رزی گیاهی می‌پردازند که عملیات بسیار دشوار و زمان‌بری است. امروز هم افرادی هستند که با حساسیت بسیار نخ و رنگ فرش دستباف را تهیه می‌کنند اما متأسفانه تعداد آنها هر روز کمتر می‌شود و نسل جوان، سخت‌گیری و تعصب خاص پدران خود را در زمینه تأمین مواد اولیه ندارند.

مزیت نرم‌افزارهای طراحی فرش در سرعت بالای کار است؟

نرم‌افزارهای طراحی در دهه ۷۰، عملاً تأثیری در سرعت کار نداشتند و بیشتر مسائل کیفی در بخش رنگ آمیزی و پیاده‌سازی دقیق طرح‌ها به ما کمک می‌کرد. به تدریج با تسلط بر کار و رشد نرم‌افزارهای طراحی فرش در کشور، سرعت طراحی افزایش پیدا کرد و به یکی از امتیازات قابل توجه تبدیل شد.

در یک‌سال نخست ورود و استفاده از نرم‌افزار طراحی، بسیاری از مشتریان خود را از دست دادیم اما با مشاهده خروجی مطلوب کار، به مرور زمان نرم‌افزار طراحی مورد استقبال فعالان فرش دستباف قرار گرفت در مجموع سختی‌های اولیه را در شکست باورهای قدیمی تحمل کردیم تا مسیر برای سایر طراحان و تولیدکنندگان فرش دستباف هموار شد...

بگویم با توجه به ضعف تدریجی بازار فرش دستباف اجتناب‌ناپذیر است که طراحان، رفوگران، رنگرزان، قالی‌شویان و... برای جبران کاهش درآمدهای خود وارد صنعت فرش ماشینی شوند.

۴۰ بازارهای صادراتی نیز این اتفاق افتاده است؟

بله متأسفانه برخی تولیدکنندگان فرش دستباف نمی‌دانند بازارهای اروپا، آمریکا، و کشورهای حاشیه خلیج فارس چه طرح و رنگی را می‌پسندند؛ گویی طرح افشون زمینه لاکه به دست گرفته‌ایم و می‌خواهیم آن را هم به آمریکا صادر کنیم هم آفریقا! در حالی که سلیقه مناطق مختلف اروپا با هم فرق دارد چه برسد سلیقه مردم به یک قاره دیگر! البته نمی‌توان تمام تقصیرها را به گردن تولیدکننده انداخت و بخش دیگر به سیاست‌های کلان کشور مربوط است. وقتی در شرایط تحریم، اجازه صادرات به بازارهای بین‌المللی را ندارید یا قادر به نقل و انتقال پول نیستید؛ آیا امکان و مجالی برای صادرات محصولات از جمله فرش دستباف باقی می‌ماند؟! با کاهش صادرات به دلایل مختلف از جمله تحریم‌ها، محدودیت‌های ارزی و... کشورهایی مانند هند، پاکستان و چین به راحتی بازار فرش دستباف ایران را به خود اختصاص می‌دهند.

مصرف‌کنندگان فرش دستباف و فرش ماشینی دو قشر کاملاً متفاوت هستند. نمی‌توان گفت مصرف‌کننده فرش ماشینی انسان فرهیخته و اندیشمندی نیست یا مصرف‌کننده فرش دستباف بسیار متمول و سرمایه‌دار است! هر کدام جایگاه خود را دارند.

متأسفانه عده‌ای تصور می‌کنند ضعف فرش دستباف ایران به دلیل وجود فرش ماشینی است در حالی که عملکرد فعالان فرش دستباف این هنر-صنعت را تضعیف می‌کند. تولیدکننده فرش دستباف، سلیقه مصرف‌کنندگان را در بافت فرش مدنظر قرار نمی‌دهد، متوجه نیازهای آنان نیست ولی فرش ماشینی به تدریج «طرح محور» گشته است و خود را با نیازها و سلیق مردم هماهنگ و همگام می‌کند.

ولی تولیدکننده فرش دستباف هنوز در دهه ۵۰ و ۶۰ به سر می‌برد یعنی «هر چه می‌بافم؛ باید مشتری بدون چون و چرا بخرد!!» باید سبدهای قیمتی در تولیدات خود تعریف کند در غیر این صورت اگر بازار خود را از دست می‌دهد صنعتگران فرش ماشینی مقصر نیستند بلکه ارتباط مستقیم به عملکرد ضعیف و تفکرات قدیمی خودشان دارد، باید بدانند مصرف‌کننده امروز، دنبال ظاهر زیبایی فرش است و کیفیت و برند در اولویت‌های بعدی وی قرار دارد.

در مورد طراحی فرش دستباف و ماشینی هم باید

تکنولوژی جدید توانستم سبکی جدید جهت ارائه و اجراء این‌گونه طرح‌ها به وجود بیاورم که همین امر باعث پیشرفت فرش دینا نسبت به رقیبش شد. در سال ۱۳۹۹ همکاری جدیدی با مجموعه «فرش محتشم» در راستای طراحی و تولید فرش‌های پرینت شروع کردیم که تاکنون این همکاری ادامه یافته است.

۴۱ آیا با توجه به نرخ یورو و مشکلات تحریم، سایر شرکت‌های فرش ماشینی علاقه‌ای به خرید دستگاه چاپ دارند؟

بله، دستگاه‌های جدید در راه هستند و فکر می‌کنم تا پایان سال چندین شرکت به ارائه فرش‌های چاپی بپردازند. فعلاً بازار در انحصار دو شرکت است و از آن نهایت استفاده را می‌برند به طوری که موفق به خرید ماشین‌آلات جدیدتر شده‌اند.

۴۲ با تمام اجزا و ابعاد فرش دستباف و فرش ماشینی آشنا هستید و در هر دو بخش به‌عنوان طراح و تولیدکننده فعالیت داشته و دارید، به ما بگویید فضا و دنیای این دو چقدر به هم نزدیک و در عین حال دور است؟ برخی از فعالان فرش دستباف همچنان دیدگاه مثبتی نسبت به فرش ماشینی ندارند و بخش عمده‌ای از مشکلات خود را ناشی از کپی‌برداری تولیدکنندگان فرش ماشینی از طرح و نقش اصیل ایرانی می‌دانند...

همیشه فرش دستباف ارزش هنری خود را داشته و خواهد داشت و به هیچ‌عنوان با فرش صنعتی و صد درصد مصنوعی قابل مقایسه نیست؛ اگر کسی در هر مقام و تخصصی بخواهد این دو را مقابل هم قرار دهد و با هم قیاس نماید؛ یا فرش دستباف را نمی‌فهمد و یا شناختی از فرش ماشینی ندارد! اشتباه‌ترین قیاس میان فرش دستباف و ماشینی انجام می‌شود زیرا فرش دستباف یک اثر کاملاً هنری است و در طراحی، رنگرزی و بافت آن، روح و سلیقه هنرمند مشاهده می‌شود ولی فرش ماشینی، حاصل کار ماشین‌آلات مکانیکی است.



وقتی به عنوان نسل سوم یک خانواده طراح و تولیدکننده فرش دستباف، مسیر شغلی خود را به سمت فرش ماشینی تغییر دادید؛ با چه عکس‌العملی از سوی آنان مواجه شدید؟

بارها از پدرم خواسته‌ام طرح مناسب فرش ماشینی در اختیارم بگذارند اما در این ۱۱ سال حتی نقش یک برگ هم به من نداده‌اند!! هیچ‌گاه بابت فعالیت در فرش ماشینی از سوی ایشان سرزنش نشده‌ام ولی مورد حمایت هم قرار نگرفته‌ام!

تا حالا از ورود به صنعت فرش ماشینی پشیمان شده‌اید؟

هیچ وقت...

به خاطر درآمد؟

صادقانه بخواهم بگویم در ابتدا بیشترین جذابیت فرش ماشینی، مسائل مالی و درآمد آن بود ولی به تدریج دریافتم خلأهای روحی و کمبودهای فرش دستباف را در طراحی و تولید فرش ماشینی جبران می‌کنم زیرا انتخاب رنگ و طرح در فرش ماشینی هیچ محدودیتی ندارد و امروز مسائل مالی اولویت من نیستند. ۱۱ سال در این صنعت مشغول کار هستم و به نوعی آینده کاری‌ام با فرش ماشینی ساخته می‌شود لذا برایم بسیار سرنوشته‌ساز است.

آیا در آینده برنامه‌ای برای تولید فرش ماشینی چاپی و فعالیت به صورت مستقل دارید؟

بله، حداکثر تا ده سال آینده صنعت کفپوش با چاپ دیجیتال گره خورده است ولی بسیار مایلم تا بدانم تکنولوژی بعدی چیست و چه دستاوردی برای این صنعت در دنیا خواهد داشت... تکنولوژی چاپ دیجیتال اگرچه قدمت چندانی در صنعت کفپوش ندارد اما آن قدر پله‌های رشد و توسعه را با سرعت طی می‌کند که انتهایی برای آن مشاهده نمی‌شود؛ البته این به معنای حذف فرش ژاکارد بافت نیست زیرا هر دو محصول، بازار، مخاطب و مصرف‌کنندگان خود را دارد. طراح در خلق نقوش فرش چاپی اختیار عمل بسیاری دارد و به اصطلاح دستش بازتر است.

بنا به تخصص و حرفه خود از نمایشگاه دمو تکس و غرفه‌های مختلف بازدید به عمل می‌آورید؛ حضور تولیدکنندگان فرش ماشینی را در این رویداد جهانی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به طور کلی در عرصه بین‌المللی فرش ماشینی عقب هستیم و فاصله بسیاری با تولیدکنندگان خارجی داریم. تولیدکنندگان فرش ماشینی به تازگی در حال حرکت به سمت «طرح محور» هستند. ماشین‌آلات بافت فرش ماشینی و مواد اولیه مصرفی (اکریلک و پلی‌استر) در ایران با تکنولوژی در دسترس ترکیه،

پاکستان و اروپا یکسان است و تنها تفاوت در تعداد شانه و رنگ می‌باشد اما وجه تمایز را باید در طراحی جست‌وجو کرد. تولیدکنندگان ترکیه به خوبی متوجه این موضوع شده‌اند؛ هرچند دولت ترکیه با اختصاص جوایز و تخفیف‌های صادراتی از تولیدکنندگان خود حمایت همه‌جانبه به عمل می‌آورد ولی نباید تمام نارسایی‌ها را به گردن دولتمردان بیندازیم زیرا تولیدکننده با همان فرشی در دمو تکس شرکت می‌کند که مورد پسند استان‌های جنوبی یا شمالی ایران است!! متأسفانه ایران، سهم بسیار اندکی در مقایسه با غرفه‌های سایر کشورها در دمو تکس دارد.

اغلب افراد در مشاغل مختلف، برای خود الگو (یا اسطوره‌ای) دارند که رسیدن به سطح آنان را نقطه عطف زندگی حرفه‌ای‌شان می‌دانند. برای مثال ممکن است الگوی کاری یک آرشیست، زها حدید ZAHA HADID - معتبرترین بانوی معماری قرن معاصر - باشد یا الگوی یک عکاس خبری، آنسل آدامز ANSEL ADAMS - از مشهورترین عکاسان جهان - باشد. الگوی شما در طراحی فرش چیست؟

در بخش طرح‌های کلاسیک و سنتی نمی‌توانم از یک نفر اسم ببرم زیرا اساتید بسیاری وجود دارند مانند استاد احمد ارچنگ که طرح‌های شاه عباسی و گل‌های ختایی ایشان فوق‌العاده هستند و گویی در آثار ایشان روحی متعالی دمیده شده است. پدرم برای مدتی افتخار شاگردی ایشان را داشتند و قلم وی تا حد بسیاری نزدیک به قلم استاد ارچنگ می‌باشد. همیشه تماشای آلبوم طرح‌های پدرم حس خوبی در وجودم زنده می‌کند و نمی‌دانم به واسطه قلم پدر، قلم استاد ارچنگ را ستایش می‌کنم یا بالعکس! هر یک از سبک‌های کرمان، تبریز، نایین و... نیز طراح‌های بنام و مشهور خود را دارند که قلم‌های زیبا و به اصطلاح گرمی دارند. در طراحی مدرن هم نمی‌توانم از یک نفر به عنوان الگو و شاخص یاد کرد اما سبک کار آقایان حسین رضوانی (شهرت وی به دلیل خلق فرش‌های شگفت‌انگیز ایرانی در قرن معاصر است)، میرمولا ثریا و یان کت را بیشتر می‌پسندم.

